



Golestan University

Social Issues in Persian Literature

Volume 2(3), Summer 2024



Analysis of the Bond between Nationality and Religion and their Manifestation in Poetry of Constitutional Era with an Emphasis on Muhammad Taghi Bahar's and Seyed Ashrafuddin Husseini's Poetry

Hamid Soleimanikhah^{1*}, Mohammad Mansour Tabatabai²

¹ Master's degree, Department of Persian Language and Literature, Faculty of Literature, University of Tehran, Iran

² Ph.D. in Persian language and literature, associate professor, department of Persian language and literature, faculty of literature, University of Tehran, Iran

Article Info	ABSTRACT
<p>Article type: Research Full Paper</p> <p>Article history: Received: 2024-3-17 Accepted: 2024-5-7</p> <p>Keywords: Nationality Religion Poetry of Constitutional Era Muhammad Taghi Bahar Seyed Ashrafuddin</p>	<p>The current article seeks to analyze the bond between nationality and religion in the poetry of the constitutional era with an emphasis on Muhammad Taghi Bahar's and Seyed Ashrafuddin Husseini's Poetry. It also attempts to provide answers to the following questions. First, is the notion of national orientation in conflict with the religious worldview, albeit within the limits of the current research? Second, how and with what elements is the link between religion and nationality within the scope of current research manifested? Given this research's significance, it is worth noting that one of the critical issues in the contemporary world is the relationship between nationality and religion. No independent study has explored the relationship between religion and nationality, addressed the questions of the present study, especially the second question. The research approach of the current study is based on content analysis conducted via the descriptive-analytical method. The analysis of the poets' poetry regarding religion and nationality has indicated that nationality and religion do not oppose each other. Instead, they are interrelated and mutually interact. Their relationship incarnates itself in the bond between not only the national element of the home country and religion but also the national element of historical-cultural manifestation and the element of religious role models.</p>

Cite this article Soleimanikhah, H., Tabatabai, M.M. (2024). Analysis of the Bond between Nationality and Religion and their Manifestation in Poetry of Constitutional Era with an Emphasis on Muhammad Taghi Bahar's and Seyed Ashrafuddin Husseini's Poetry. *Social Issues in Persian Literature*, 2 (3), 13-28.



©The author(s)

Publisher: Golestan University

Doi: 10.30488/sipl.2024.449076.1053



تحلیل پیوند دو مفهوم ملیت و دیانت و نمود مصادیق این دو مفهوم در شعر دوره مشروطه (با تکیه بر شعر سید اشرف‌الدین حسینی و محمدتقی بهار)

حمید سلیمانی خواه^{۱*}، سیدمحمد منصور طباطبایی^۲

^۱ کارشناسی ارشد، گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات، دانشگاه تهران، ایران
^۲ دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشیار، گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات، دانشگاه تهران، ایران

اطلاعات مقاله	چکیده
<p>نوع مقاله: مقاله کامل علمی</p> <p>تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۲/۲۷ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۲/۱۸</p> <p>واژه‌های کلیدی: ملیت و دیانت شعر دوره مشروطه سید اشرف‌الدین حسینی محمدتقی بهار</p>	<p>در این مقاله نویسندگان بر آن بوده‌اند تا پیوند دو مفهوم ملیت و دیانت را در شعر دوره مشروطه با تکیه بر شعر سید اشرف‌الدین حسینی و محمدتقی بهار، تحلیل کنند. این جستار در پی پاسخگویی به دو سوال اصلی است: آیا مفهوم گرایش ملی در اساس با جهان‌بینی دینی در محدوده تحقیق حاضر در تقابل و تضاد است؟ و ارتباط دو مفهوم ملیت و دیانت در محدوده تحقیق حاضر چگونه و با چه عناصر و مصادیقی نمود پیدا کرده است؟ راجع به اهمیت تحقیق باید خاطر نشان کرد که یکی از مسائل جدی در جامعه امروز، بحث ارتباط ملیت و دیانت با یکدیگر است و در محدوده تحقیق حاضر و پرسش‌های پژوهش به‌ویژه سوال دوم، تاکنون پژوهشی مستقل انجام نشده است. بعد از تحلیل اشعار شاعران مورد نظر از جهت توجه به مفاهیم ملیت و دیانت، مشخص شد که این مفاهیم نه تنها در مقابل هم نیستند؛ بلکه در پیوند و تعامل با هم هستند و این پیوند در قالب مصادیقی چون پیوند عنصر ملی وطن با دین و پیوند عنصر ملی مظاهر تاریخ و فرهنگ ملی با عنصر دینی اسوه‌های دینی خود را نمایان کرده است. روش تحقیق حاضر از نوع تحلیل محتوا با رویکرد توصیفی - تحلیلی بوده است.</p>
<p>استناد: سلیمانی خواه، حمید و منصور، محمد. (۱۴۰۳). تحلیل پیوند دو مفهوم ملیت و دیانت و نمود مصادیق این دو مفهوم در شعر دوره مشروطه (با تکیه بر شعر سید اشرف‌الدین حسینی و محمدتقی بهار). نشریه: اجتماعیات در ادب فارسی، ۲ (۳)، ۲۸-۱۳.</p>	
<p>Doi: 10.30488/sipl.2024.449076.1053</p> <p>ناشر: دانشگاه گلستان © نویسندگان.</p>	



مقدمه

توجه به مباحث ملی و دینی در طول تاریخ جوامع، همواره از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده است. از آنجا که می‌توان گفت، یکی از وظایف ادبیات به‌عنوان عنصری مهم از فرهنگ، ارائه تصویری از افکار، عقاید و اوضاع درون جوامع است، مفاهیم ملی و دینی نیز که همیشه در بین جوامع مطرح بوده به شکل‌های مختلف با عناصر و مصادیق گوناگون در آن بازتاب داشته است. شاعران و نویسندگان ایرانی از فردوسی و حتی پیش از آن گرفته تا خاقانی، نظامی، سنایی، عطار، سعدی، مولانا، حافظ و... همگی در شعر خود به مضامین ملی و دینی پرداخته‌اند؛ اما بسامد توجه به این مضامین در هر شاعر متفاوت است.

از دوران مشروطه و کمی پیش از آن با شکل‌گیری مفاهیم نوگرایی و مدرنیته، نظرات و آرائی درباره ارتباط دو مفهوم یاد شده با یکدیگر، توسط متفکران و روشنفکران آن زمان چون آخوندزاده، شیخ فضل‌الله نوری، میرزا ملکم‌خان و ... مطرح شد. برخی رابطه میان ملیت و دیانت را رابطه‌ای تقابلی و متضاد مطرح می‌کردند. عده‌ای بازگشت به ایران پیش از اسلام را به‌عنوان جهان آرمانی معرفی می‌کردند و در مقابل نیز طرفداران دین حضور داشتند، البته در این میان کسانی راه میانه را برگزیده بودند و میان دو مفهوم مذکور تقابل و تضادی قائل نبودند و این دو را در تعامل با هم می‌دانستند.

در دوران مشروطه شعر به‌عنوان یکی از ارکان اصلی ادبیات همواره نقشی اساسی در بیان مفاهیم اجتماعی و نقد مسائل و شرایط حاکم بر جامعه داشته است. بر این اساس بررسی و تحلیل شعر شاعران دوره یاد شده در جهت شناخت عمیق مفاهیم اجتماعی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. در این جستار، نویسندگان با توجه به موضوع گفته‌شده که در دهه اخیر از مباحث رایج در سطح جامعه و روشنفکران بوده است، بر آن شده‌اند تا در محدوده ادبیات دوره مذکور، در جهت پاسخگویی به پرسش‌هایی که در ادامه ذکر خواهد شد، قدم بردارند.

بیان مسئله

تحقیق حاضر در راستای پاسخگویی به سؤالات زیر انجام گرفته است.

- آیا مفهوم گرایی ملی در اساس با جهان‌بینی دینی در محدوده تحقیق حاضر در تقابل و تضاد است؟
- ارتباط دو مفهوم ملیت و دیانت در محدوده تحقیق حاضر چگونه و با چه عناصر و مصادیقی نمود پیدا کرده است؟

قلمرو تحقیق

مشخص کردن و تبیین محدوده تحقیق از ملزومات یک پژوهش روشمند و اصیل است. در این مقاله نویسنده شعر دوره مشروطه را با تکیه بر شعر سید اشرف‌الدین حسینی و محمدتقی بهار در جهت پاسخگویی به سؤالات تحقیق، تحلیل و بررسی کرده است.

پیشینه تحقیق

به‌طور کلی راجع به موضوع ملیت و دیانت در ادبیات، پژوهش‌هایی صورت گرفته است که در ادامه نگاهی به آن‌ها خواهیم داشت. برخی از پژوهش‌ها، هویت ملی و مؤلفه‌های آن را در شعر دوره مشروطه بررسی کرده‌اند. مقاله «مؤلفه‌های ملی در شعر میرزاده عشقی»، (۱۳۹۱) از محمدرضا علم و مینا رئیسی و مقاله «واکوی مؤلفه‌های هویت ملی در شعر دوره مشروطه»، (۱۳۹۷) از نگار رشید، جلیل تجلیل و علی‌محمد سجادی در زمینه مذکور هستند. در تحقیق نخست، فرهنگ و ارزش‌های ملی باستانی، فرهنگ و ارزش‌های ملی بعد از اسلام، ارزش‌های دینی و مذهبی و ارزش‌های فرهنگ غرب و مشروطه به‌عنوان مؤلفه‌های هویت ملی در شعر میرزاده عشقی برشمرده شده است. در تحقیق دوم، نویسندگان به این نتیجه رسیده‌اند که سه مؤلفه وطن مشترک، تاریخ مشترک و زبان مشترک مهم‌ترین مؤلفه‌های هویت ملی در شعر دوره مشروطه بوده است.

تحقیقاتی نیز درباره نگرش دینی شاعران دوره مشروطه صورت گرفته است. مقاله «بهار و تعامل معتدل با سنت و مدرنیته»، (۱۳۸۳) از مهدی زرقانی در این حیطه به نگارش درآمده است. در این مقاله ابیات دینی - مذهبی بهار، استخراج، دسته‌بندی و در ادامه تحلیل شده‌اند. همچنین است مقاله «نگرش دینی شاعران دوره مشروطه»، (۱۳۸۹) از محمد غلامرضایی و زهره ملاکی که نویسندگان پس از بررسی و تحلیل به این نتیجه رسیده‌اند که در میان شاعران عصر مشروطه سه جریان عمده فکری وجود داشته است. یک جریان، دین را در مقابل تجدد قرار می‌دهد. جریان دیگر بیشتر بر بعد ایمانی دین تاکید دارند و به حذف بسیاری از سنن دینی و کارکردهای آن اعتقاد دارند و دسته آخر هرچند خواهان بعضی اصلاحات در سنت‌ها هستند؛ اما تجدد را در بستر سنت‌های دینی می‌پذیرند. در این مقاله توجهی به بررسی مصادیق ملیت و دیانت نشده است.

در برخی تحقیقات نیز ملیت و دیانت در ادبیات در کنار هم بررسی شده است. مقاله «رمان تاریخی فارسی و اجتماع ملی در عصر مشروطه: پیوند دین و هویت ملی در رمان شمس و طغرا»، (۱۴۰۲)، از عبدالرسول شاکری در موضوع گفته شده است که با نگاهی کلی عباراتی با مضامین ملی و دینی را بدون طبقه‌بندی مطالب و تحلیل و بررسی مصادیق و چگونگی ارتباط این عناصر ارائه داده است.

علاوه بر پژوهش‌های ذکرشده، آثاری هستند که راجع به پیوند دین و ملیت به‌عنوان یک ویژگی از ویژگی‌های ادبیات و شعر انقلاب اسلامی و دفاع مقدس اشاراتی داشته‌اند، از جمله کتاب‌های «ادبیات دفاع مقدس»، (۱۳۸۹) و «نتایج سحر»، (۱۳۹۳) از محمدرضا سنگری. در این آثار عناصر ملی و دینی مورد تحلیل قرار نگرفته‌اند.

روش تحقیق

شیوه گردآوری داده‌ها در این تحقیق به صورت کتابخانه‌ای بوده است. روش تحقیق از نوع تحلیل محتوا با رویکرد توصیفی - تحلیلی است. به این صورت که نویسندگان ابتدا اشعار شاعران موردنظر را به صورت مجزا در بخش‌های مربوط به ملیت، دیانت و پیوند ملیت و دیانت یادداشت‌برداری کرده‌اند و پس از گردآوری اطلاعات و داده‌ها، یادداشت‌های مورد نظر در بخش‌های مجزا بررسی، تحلیل و تجزیه شده‌اند و در نهایت در جهت رسیدن به هدف‌های اصلی تحقیق کار پیش رفته است.

ضرورت و اهمیت تحقیق

مسئله ملیت و دیانت و ارتباط این دو با هم، از مسائل جدی و اساسی در جامعه است و از اصول اساسی یک تحقیق، کاربردی بودن آن است؛ به نحوی که پاسخگوی نیازهای روز جامعه باشد. برهه مورد بررسی در این تحقیق؛ یعنی دوره مشروطه از جهت بحث و مسئله حاضر از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. از همین روی نویسنده، تحقیق حاضر را انتخاب کرده است؛ تا مصادیق دو مفهوم مورد نظر و ارتباطشان با یکدیگر را به طور دقیق روشن کند.

بحث اصلی

ملیت در ادبیات

اصلی‌ترین و اساسی‌ترین معنا و مفهومی که از کلمه ملیت در تاریخ دوران اسلامی استنباط شده است، ملازمت آن با معنای شریعت، دین و توسعه پیروان دین است. چنین مفهومی و معنایی، مفهوم و معنای مسلط این واژه تا آغاز پیدایی اندیشه قانون‌خواهی و مشروطه بود. حتی در جریان نهضت مشروطیت و اندکی پس از اعلان مشروطیت، در بسیاری از نوشته‌ها و آثار، مفهوم مسلط واژه ملت، همان مفهومی است که پیش‌تر از آن در تاریخ ایران از آن استنباط می‌شد (آجودانی، ۱۳۸۶: ۱۶۷). این معنا از واژه ملت تا دوران قاجار هم پابرجا بود؛ اما از اواخر دوره قاجار و به طور روشن‌تر از اوایل حکومت پهلوی، واژه ملت به معنای ملت ایران جافتاد و مفهوم شرعی از آن جدا شد (همان: ۲۰۲).

تعریف ملت طبق دانش‌نامه‌های سیاسی جدید چنین است: «یک واحد بزرگ انسانی که عامل پیوند آن یک هویت فرهنگی و آگاهی مشترک است» (آشوری، ۱۳۸۸: ۳۰۷). در اینجا لازم است راجع به هویت ملی توضیحاتی بیان شود. هویت ملی «همان احساس تعلق و تعهد نسبت به اجتماع ملی و نسبت به کل جامعه در نظر گرفته شده است و می‌توان گفت، هویت ملی به این معناست که افراد یک جامعه، نوعی منشا مشترک را در خود احساس می‌کنند» (موسی‌آبادی و فخرالاسلام، ۱۳۹۸: ۴۳). به تعبیری دیگر، هویت ملی «مجموعه‌ای از گرایش‌ها و نگرش‌های مثبت نسبت به عوامل، عناصر و الگوهای هویت‌بخش و یکپارچه‌کننده در سطح یک کشور به عنوان یک واحد سیاسی است (حاجیان، ۱۳۷۹: ۱۹۷).

مسئله اساسی و مهم در بحث هویت ملی در پژوهش حاضر، مشخص کردن و تعیین مؤلفه‌ها و شاخصه‌های این هویت است؛ اینکه هویت با چه معیارها و مصادیقی در شعر نمود پیدا می‌کند. صاحب‌نظران گوناگون در نظرات خود، مؤلفه‌ها، شاخصه‌ها و ابعاد مختلفی را برای هویت ملی برشمرده‌اند و هر یک به شاخصه‌های خاصی تاکید کرده‌اند؛ این درحالی است که در زمینه مذکور به نظر واحد و یکسانی در آرای ایشان نمی‌توان رسید. «بررسی آرای این نظریه‌پردازان نشان می‌دهد که بیشترین فراوانی و تأکید بر ۱۰ عنصر زیر به عنوان مؤلفه‌ها و ابعاد هویت ملی بوده است: سرزمین مشترک، نژاد و ملیت مشترک، میراث فرهنگی مشترک (آداب و رسوم، باورها، نمادها و ...)، نظام سیاسی و دولت، تاریخ و پیشینه مشترک، اقتصاد واحد، زبان مشترک، هنر و ادبیات، دین مشترک و نیز هویت جهانی و سیال شده» (رشید، تجلیل و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۷۶).

دیانت در ادبیات

دین در طول روزگار و تاریخ همواره از مؤلفه‌های اساسی و تعیین‌کننده هر جامعه بوده است؛ چراکه انسان‌ها از دوران کودکی که زمانی است برای فرهنگ‌پذیری آنان، با آیین‌های دینی و مذهبی جامعه خویش آشنا می‌شوند و چون اختلاف و مغایرتی میان قوانین دینی و عناصر زندگی اجتماعی نمی‌بینند با آن انس و آلفت می‌گیرند و آن را به‌عنوان ملاکی برای تمامی ارزش‌های اجتماعی خود به کار می‌برند و زندگی را در سایه چنین ملاک‌ها و معیارهایی امکان‌پذیر می‌دانند.

در ایران نیز، دین از ارکان اساسی هویت ایرانیان بوده است. یکی از ادیبانی که ایرانیان در طول سیزده قرن گذشته با آن انس گرفته‌اند، دین اسلام است. دین اسلام پس از ورود به ایران با فرهنگ بومی آمیخته شد و فرهنگ متعین و مستقلی به نام فرهنگ ایرانی - اسلامی پدید آورد. اسلام در ذهن و زندگی مردم جایگاهی والا به دست آورد و به باور و ایمانی عمیق تبدیل شد. به‌گونه‌ای که این باور در زندگی سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی ایران به‌عنوان یک اصل اساسی و بنیادی اثرگذار بود. این وضع ادامه داشت تا زمانی که قوانین دینی با قوانین برخاسته از دانش‌های نوین و جدید، دچار اختلاف نشده بودند؛ اما به تدریج و در طی زمان با دگرگونی زندگی اجتماعی و نیاز به قوانینی که بتواند از عهده این دگرگونی‌ها و پیچیدگی‌ها برآید و نیز به‌علت عقب ماندن روحانیون از سیر تند این دگرگونی‌ها، قوانین اجتماعی جای قوانین دینی را گرفت و احساس بی‌نیازی از دین و قوانین آن در میان مردم شکل گرفت.

«با ظهور تمدن نوین در غرب و ورود آن به ایران در دوره قاجار، تجدد و مدرنیته به‌عنوان یک الگوی فرهنگی و تمدنی سیال که همه حوزه‌های زندگی فردی و اجتماعی را دربرمی‌گیرد، جایگاه دین را در جامعه ایران دگرگون ساخت. این دگرگونی در نهایت منجر به تقابل دین و مدرنیته شد» (غلامرضایی و ملاکی، ۱۳۸۹: ۱۷۹؛ ۱۷۸). البته در مقابل این دیدگاه، نظرات دیگری نیز راجع به جایگاه دین در عصر مدرنیته مطرح شده است و این دیدگاه که دین در مقابل مدرنیته شدن است را رد کرده‌اند.

پیوند ملیت و دیانت در ادبیات

اسلام راستین از آنجا که داعیه‌ای جهانی داشته، با هیچ ملیت و قوم و نژادی در تضاد و تقابل نبوده است. اسلام هیچ‌گاه خود را محصور در محدوده تعصبات ملی و قومی نکرده است. ایرانیان نیز خود را مقابل اسلام ندانسته‌اند و از زمان ورود اسلام به ایران تاکنون اقبال ایرانیان نسبت به اسلام بیشتر شده است. این اقبال به‌وضوح در آثار ادبی مشهود و محسوس است. به‌گونه‌ای که هرچه از قرن‌های اولیه به سمت قرن‌های اخیر حرکت کنیم، سیر ادبیات به سمت مضامین دینی و اسلامی بیشتر شده است.

در رابطه با پیوند ملیت و دیانت در ادبیات فارسی به شاهنامه فردوسی نظری خواهیم انداخت. سجاد آیدنلو در رابطه با شاهنامه و هویت ایرانی در مقدمه کتاب دفتر خسروان بحثی مطرح کرده‌اند. ایشان درباره پیوند شاهنامه با هویت ایرانی چهار علت عمده را ذکر کرده‌اند و در چهارمین علت بیان داشته‌اند که: «اعتدال فردوسی در تلفیق درست مظاهر ملی (میهن‌دوستی، ایرانی‌ستایی، مخالفت و پیکار با هر دشمن و مهاجم و...) با معتقدات اسلامی و مذهبی در جهان‌بینی خردمندانه خویش همسو با هویت و پسند ایرانیان مسلمان روزگار وی و ادوار پس از آن - تا امروز و اعصار آینده - بوده است» (آیدنلو، ۱۳۹۴: ۲۱۶).

نمونه‌هایی از پیوند عناصر ملی و دینی در ادبیات فارسی:

زین هم‌رمان سست‌عناصر دلم گرفت شیر خدا و رستم دستانم آرزوست

(مولوی، ۱۳۸۸: ۲۹۷)

نخواهی که ملک برآید بهم غم ملک و دین خورد باید بهم

(سعدی، ۱۳۸۱: ۷۲)

خیال آب خضر بست و جام اسکندر به جرعه‌نوشی سلطان ابوالفوارس شد

(حافظ، ۱۳۹۹: ۱۸۵)

دوره مشروطه؛ ادبیات و شعر دوره مشروطه

انقلاب مشروطه که از دید یک مورخ ادبی از حدود سال ۱۲۷۵ هـ ش آغاز شده بود، نقطه عطفی در تاریخ و ادبیات ایران محسوب می‌شود و علل و عوامل آن را باید در مسائل اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و همچنین دگرگونی‌های ساختاری و ایدئولوژیکی آستانه قرن بیستم جستجو کرد (زرقانی، ۱۳۹۹: ۲۱؛ آفاری، ۱۳۸۵: ۳۵). برخورد ایرانیان با جهان غرب که از دهه‌های نخست قرن سیزدهم هـ ق آغاز شده بود تا دوره حکومت ناصرالدین‌شاه تأثیر ادبی چندانی در پی نداشت؛ اما با آغاز انتشار روزنامه و تأسیس دارالفنون، روند آشنایی ایرانیان با جهان جدید شدت گرفت و عواملی چون ترجمه آثار نیز به آن عمق بخشید که سرانجام منجر به شکل‌گیری حلقه‌های روشنفکری شد و در پی آن دگرگونی ساخت قدرت در ایران رقم خورد و مرز تجددطلبی تا سطوح مختلف فرهنگ، اندیشه، ادب و نظام اجتماعی و اقتصادی گسترش یافت (صدری‌نیا، ۱۴۰۱: ۱۳؛ ۱۲). در پی انقلاب مشروطه، تحولی عظیم و سریع در ادبیات رخ داد که طرز و شیوه تحریر و نوشتن و سرودن شعر را تغییر داد (محمدخان، ۱۳۸۳: ۵۱).

شعر دوره مشروطه، شعری است اجتماعی که محیط و زندگی اجتماعی و فرهنگی را به تصویر کشیده است. در قلمرو شعر اجتماعی، شاعر با هدف آگاهی و ارتقای ادراک مردم، همراه با عواطف و اندیشه‌های آنان به میدان می‌آید و در تلاش است تا بازتابی صادقانه از زمانه خود باشد (حصارکی و خطیب‌نیا، ۱۴۰۰: ۱۴۳؛ ۱۴۲). در واقع در شعر اجتماعی، «یک فرد به تنهایی مورد نظر نیست؛ بلکه اثر، بیان نوعی آگاهی جمعی است» (گل‌دمن و همکاران، ۱۳۷۷: ۱۳). در بیان اهمیت شعر دوره مشروطه باید اذعان کرد که شعر بیش از هر ابزار فرهنگی با نهضت مشروطه همراهی داشته است (پاژنده و همکاران، ۱۴۰۱: ۱۸۱).

ملیت در شعر دوره مشروطه

یکی از مضامین اصلی و اساسی مورد توجه و بحث شاعران در دوره مشروطه، مباحث مربوط به ملیت است. هویت ملی و توجه به ایران در شعر مشروطه از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. شاعران این دوره را از حیث توجه به مقوله ملیت ایرانی می‌توان به دو دسته تقسیم کرد:

دسته نخست شاعرانی که نگرش آنان بیشتر به سمت ملیت محض است. در واقع می‌توان گفت اینان فارغ از ایدئولوژی خاصی به ملیت توجه دارند؛ به تعبیری دیگر گرایش به آب و خاک و میهن یگانه انگیزه‌ای است که آنان را به سرودن شعر واداشته است. این گرایش به سمت ملیت را بهتر است به معنای دین‌گریزی ندانیم؛ البته با خرافات آمیخته‌شده در دین مشکل داشتند. شاعرانی که در این دسته جای می‌گیرند، هرچند در کلیت بحث، نظر تقریباً یکسانی دارند؛ اما نگرش بعضی از اینان اعتدالی است و برخی تندرو. ایرج میرزا، عارف قزوینی، میرزاده عشقی در این دسته جای دارند (آجودانی، ۱۴۰۰: ۱۸).

نالۀ مرغ اسیر این همه بهر وطن است مسلک مرغ گرفتار قفس همچو من است
 همت از باد سحر می‌طلبم گر ببرد خبر از من به رفیقی که به طرف چمن است
 (قزوینی، ۱۳۸۱: ۱۲۰)

دسته دوم شاعرانی هستند که نگرش آنان تأکید بر آن دارد که ملیت ایرانی در کنار دین اسلام قرار دارد. این دسته از شاعران با توجه به گذشته فرهنگی خود، به فرهنگ غنی ایرانی - اسلامی آگاه هستند و از همین روی عناصر ملی و باستان‌گرایانه را در پیوند با عناصر اسلامی قرار داده‌اند. آمیزه‌ای از ایران و اسلام در شعر این شاعران به نمایش گذاشته شده است. سید اشرف‌الدین حسینی، محمدتقی بهار، ادیب پیشاوری و ادیب‌الممالک فراهانی از این دسته شاعران هستند.

جنگ ننگ است در شریعت من جز پی پاس دین و حفظ وطن
 درد دین و وطن چو نیست ترا صلح کل شو مدار چون و چرا
 (امیری فراهانی قائم مقامی، ۱۳۷۸: ۶۴۷)

دیانت در شعر دوره مشروطه

نگاه شاعران مشروطه به دین می‌تواند از دو جهت قابل بررسی و توجه باشد؛ یکی «از لحاظ احیای اندیشه تجدد مذهبی و بزرگداشت آن - که برخاسته از تعالیم سید جمال‌الدین اسدآبادی بود - و فکر وحدت اسلامی و توجه به ضعف و انحطاط ملل مسلمان و اینکه همه این عقب‌ماندگی‌ها برخاسته از دوری مسلمانان از واقعیت اسلام است و دیگری، از لحاظ پیدایش اندیشه‌های ضد مذهبی در شعر این عصر که به مناسبت درگیری با خرافات پیوندیافته با مذهب، بعضی شاعران، مذهب را مانع پیشرفت‌های اجتماعی احساس می‌کردند» (شفیعی کدکنی، ۱۳۹۲: ۸۹).

شاعران دوره مشروطه که با هدف عبور ایران از شرایط عقب‌ماندگی به وضعیت پیشرفته تلاش می‌کردند، در رویارویی فرهنگ دینی با فرهنگ و تمدن غربی به سه گروه فکری تقسیم می‌شوند: گروه نخست، فرهنگ اسلامی (سنت) را مقابل فرهنگ غربی (تجدد) قرار می‌دهند و برقراری تجدد را مشروط به حذف سنت می‌دانند. عارف، ایرج میرزا و میرزاده عشقی از این گروه هستند (غلامرضایی و ملّاک، ۱۳۸۹: ۱۹۸ - ۱۹۵).

گروه دوم، بعضی از وجوه سنت را می‌پذیرند و بخش نسبتاً زیادی از آن را کنار می‌گذارند و یا در مسائل نوین اجتماعی دخالت نمی‌دهند. فرخی یزدی و دهخدا را می‌توان از این گروه دانست (همانجا).

گروه سوم، تجدد را در بستر سنت‌ها می‌پذیرند. در این دیدگاه فرهنگ اسلامی با پذیرش میزانی از دگرگونی و اصلاح، خود را با فرهنگ جدید سازگار می‌کند و به موجودیت خود در جامعه ادامه می‌دهد. محمدتقی بهار و نسیم

شمال از این گروه هستند (همانجا). هر چند نگاه بهار نسبت به نسیم شمال در زمینه مذکور معتدلانه‌تر است و نسیم شمال دین را به نحوی در مسئله تجدد و اجتماع ضروری‌تر می‌داند؛ اما بهار «نه چپ تندرو و نه مذهبی افراطی است» (مجد و گل‌فشانی، ۱۳۸۸: ۱۱۶).

پیوند ملیت و دیانت در شعر دوره مشروطه

شاعران دوره مشروطه با بهره‌گیری از عواطف و احساسات ملی مردم، مبارزه‌ای سخت با استعمار و اهداف سیاسی دو قدرت بزرگ روس و انگلیس آغاز کردند و در این مسیر تنها بر عواطف و احساسات ناسیونالیستی و ملی مردم تکیه نکردند؛ چون می‌دانستند که با ملتی مسلمان سروکار دارند. ایران و اسلام هر دو به‌طور محسوس موضوع مورد بحث شاعران می‌شود. شاعران با استعانت از فرهنگ ملی و مذهبی مردم و برانگیختن احساسات ناسیونالیستی و عواطف مذهبی‌شان در کنار هم، آنان را از نظر روانی و فرهنگی در برابر بیگانه تجهیز می‌کردند (آجودانی، ۱۴۰۰: ۱۷۵).

هان ای ایرانیان ایران اندر بلاست
مملکت داریوش، دستخوش نیکلاست
مرکز ملک کیان، در دهن اژدهاست
غیرت اسلام کو؟ جنبش ملی کجاست؟

(بهار، ۱۳۹۴، ج ۱: ۲۶۵)

تحلیل عناصر ملی در شعر سید اشرف‌الدین حسینی و محمدتقی بهار

عناصر ملی محسوس در شعر شاعران موردنظر تحت عناوین وطن، مظاهر فرهنگ ملی و مظاهر تاریخ ملی بیان خواهد شد.

وطن: عنصر وطن و اجزای آن یکی از عناصر ملی مهم در شعر سید اشرف‌الدین حسینی و محمدتقی بهار است که به شکل‌های مختلف در اشعارشان نمود و بازتاب داشته است.

حامی ایران و ایرانی بود شعر نسیم
آنکه از افکار او عاجز شده عقل سلیم
داد بر وی طبع موزونی خداوند حکیم
گفت اشعار از برای مملکت بی‌خوف و بیم

(حسینی قزوینی، ۱۳۶۳: ۵۳۸)

چون نگرم نیست گناهی مرا
غیر وطن‌دوستی و شاعری

(بهار، ۱۳۹۴، ج ۱: ۵۴۱)

سید اشرف‌الدین از گذشته وطن خود به افتخار یاد می‌کند و ایران را تاج عالم می‌داند:

تاج عالم خاک ایران است، گویی نیست، هست
سرزمینش جای شیران است، گویی نیست، هست
پادشاهانش همه مشهور دنیا بوده‌اند
نامشان مشهور امکان است، گویی نیست، هست
بر جلال خاک ایران کوه و صحرا شاهد است
چون علامتش نمایان است، گویی نیست، هست

(حسینی قزوینی، ۱۳۶۳: ۵۳۵)

بهار نیز وطن را به ناموسی مانند کرده است که باید در راه پاسداری از آن جان را فدا کرد:

بذل جان در ره ناموس وطن چیزی نیست
بی‌وطن خانه و سر و تن چیزی نیست

بی‌وطن منطق شیرین و سخن چیزی نیست
بی‌وطن جان و دل و روح و بدن چیزی نیست
(بهار، ۱۳۹۴، ج ۱: ۲۲۴)

مظاهر فرهنگ ملی: دومین عنصر ملی در شعر سید اشرف‌الدین و محمدتقی بهار، حضور و نمود مظاهر فرهنگ ملی است که در شکل‌های مختلف بازتاب پیدا کرده است. زبان فارسی، اسطوره، مفاخر ادبی و هنری و اعیاد ملی مواردی هستند که تحت عنوان مظاهر فرهنگ ملی در شعر دو شاعر مذکور نمودی محسوس داشته‌اند. زبان از عناصر هویت‌بخش هر ملت است. شاعران مورد نظر به زبان فارسی توجه داشته‌اند و در شعر خود از آن نام برده‌اند:

زبان تو از هر زبان بهتر است
همین فارسی در جهان بهتر است
تو در خاک ایران از این فارسی
به جاه و جلال و حشم می‌رسی
(حسینی قزوینی، ۱۳۶۳: ۷۱۵)

تو واقفی که در این قرن چون بهار نداشت
چه مایه خون جگر خورد تا که گشت امروز
به نظم و نثر دری فالق و به تازی چیر
کسی به لفظ دری قوت بیان ادب
به دهر شهره، علی‌رغم دشمنان ادب
به پهلوی و اوستاست پهلوان ادب
(بهار، ۱۳۹۴، ج ۱: ۶۰۰)

اسطوره‌های ملی از دیگر مظاهر فرهنگ ملی هستند که در شعر شاعران مورد نظر نمودی محسوس داشته‌اند:

همچو گرشاسب دلیری داشته این سرزمین
ز آل و رستم نره‌شیری داشته این سرزمین
کاه‌آسا آن امیری داشته این سرزمین
چون فریدون ملک‌گیری داشته این سرزمین
(حسینی قزوینی، ۱۳۶۳: ۶۷۴)

بنگر کاین ملک باستانی از آغاز
ملک کیومرث بود و کشور جمشید
جای منوچهر بود و بنگه نوذر
جایگه عدل و داد بود نه زیدر
(بهار، ۱۳۹۴، ج ۱: ۱۰۱)

توجه به مفاخر ادبی و هنری و همچنین اعیاد ملی از دیگر مظاهر فرهنگ ملی در شعر شاعران مورد نظر بوده است:

ور چو حافظ نبرم ره ز بیابان بیرون
همره کوکبه آصف دوران بروم
(حسینی قزوینی، ۱۳۶۳: ۷۳۳)

خاقانی شیروان، گفته زبان حال من
«غصه آسمان خورم، دم نزنم، دریغ من»
خداوند هنر، استاد بهزاد
که نقش از خامه بهزاد، به زاد
(همان، ج ۲: ۲۲۶)

عید نوروز آمده شادی کنید / روی بر دکان قنّادی کنید

(حسینی قزوینی، ۱۳۶۳: ۳۵۵)

مظاهر تاریخ ملی: از دیگر عناصر ملی در شعر سید اشرف‌الدین حسینی و محمدتقی بهار توجه به تاریخ ملی ایران است. توجه به پادشاهان ایران و اقوام و سرداران ملی از مواردی است که تحت عنوان مظاهر تاریخ ملی از آن‌ها نام برده شده است. شاعران موردنظر در مدح و ذم پادشاهان معاصر خود از پادشاهان گذشته ایران بهره گرفته‌اند:

خسرو جم‌جاه احمدشاه ایران زنده باد / بر سر هر تخت گردون دولتش پاینده باد

(حسینی قزوینی، ۱۳۶۳: ۶۷۸)

زین شه نادان، امید ملکرانی داشتن / هست چون از دزد، چشم پاسبانی داشتن
کذب و جُبْن و احتکار و خست و رشوت‌خوری / هیچ ناید راست با تاج کیانی داشتن
هیچ نتوان بی‌فر سیروس و بُرز داریوش / فرّ دارائی و بُرز خسروانی داشتن
هست امید خیر از این گندم‌مای جو فروش / چون به نالایق‌زمین، گندم‌فشانی داشتن

(بهار، ۱۳۹۴، ج ۱: ۳۱۰)

علاوه بر ذکر نام و یاد پادشاهان ایرانی، توجه به اقوام و سرداران ملی در شعر شاعران موردنظر مشهود است:

آفرین بر همت والای صمصام دلیر / به‌به از اقدام ضرغام شجاع شیرگیر
مرحبا بر ملت دانا و بینا و خبیر / بختیاری داد در راه وطن جان آفرین...

(حسینی قزوینی، ۱۳۶۳: ۴۳۷)

توجه به اقوام، ایلات و همچنین سرداران ملی در نهضت مشروطه یکی از عناصر مهم تاریخ ملی در شعر محمدتقی بهار است. در شعر زیر به ایلات لرستان و ایل بختیاری اشاره شده است:

آن فجایع که به ایلات لرستان کردند / شرم دارد قلم از شرح و زبان از گفتار
آن همه ریزش خون نر پی امنیت بود / کز ره حرص و طمع بود به حق دادار
بختیاری که ثبات قدمی داد بروز / نشد او غارت و هستند سرانش سردار

(بهار، ۱۳۹۴، ج ۱: ۴۲۱)

بهار در وصف سردارن ملی چون ستارخان و باقرخان از تبریز، سپهدار اعظم از رشت، صمصام‌السلطنه، علی‌قلی‌خان سردار اسعد و ضرغام‌السلطنه بختیاری و عبدالحسین لاری و ... شعر گفته است:

از خطهٔ مردخیز تبریز / بر بست میان، گزیده‌ستار
از کشور رشت نیز برخاست / آوازهٔ حضرت سپهدار
صمصام برآمد از صفاهان / سید عبدالحسین از لار
از شاه حقوق خویشتن را / کردند طلب به جهد بسیار

(همان: ۱۹۳)

تحلیل عناصر دینی در شعر سید اشرف‌الدین حسینی و محمدتقی بهار

عناصر دینی در شعر شاعران موردنظر تحت عناوین دین، پیامبران و امامان (ع)، اعیاد و جشن‌های دینی، وطن اسلامی و اتحاد مسلمانان و احترام به زنان و دختران و همچنین توجه به رعایت عفت و حجاب به عنوان امری دینی بررسی خواهند شد.

دین: نسیم شمال و بهار خود را مسلمان، ستایشگر و پاسدار دین معرفی کرده‌اند:

منم که حافظ ارکان مذهب و دینم
غلام حیدر کرار اشرف‌الدینم
(حسینی قزوینی، ۱۳۶۳: ۷۴۰)

ما پاسدار دین و کتاب پیمبریم
وینان عدوی دین و کتاب پیمبرند
(بهار، ۱۳۹۴، ج ۱: ۲۷۵)

پیامبران و امامان (ع): دیگر عنصر دینی محسوس در شعر شاعران موردنظر توجه به پیامبران و امامان (ع) است:
السَّلام ای احمد مختار ختم انبیا
السَّلام ای آفتاب لامع برج حیا
گفت در وصف شب معراج ذات کبریا...
(حسینی قزوینی، ۱۳۶۳: ۲۴۵)

سپهر رحمت و احسان، قوام شرع، حسین
چراغ جان نبی، شمع دودمان علی
که برفروخت رخ دین حق به وجهِ حَسَن
که هست چشم دو گیتی به‌روی او روشن
(بهار، ۱۳۹۴، ج ۱: ۵۲)

اعیاد و جشن‌های دینی: اعیاد دینی از جمله، عید قربان، عید مبعث، عید فطر، عید غدیر، جشن نیمه شعبان و ... به شکلی محسوس در شعر شاعران موردنظر نمود داشته‌اند:

عید قربان است ملت جمله قربان می‌کنند
جان و مال خود فدای دین و ایمان می‌کنند
(حسینی قزوینی، ۱۳۶۳: ۶۸۴)

در غدیر خم، خطاب آمد ز حق بر مصطفی
تا علی را او ولی بر مهتر و کهتر کند
(بهار، ۱۳۹۴، ج ۱: ۹۰)

وطن اسلامی و اتحاد مسلمانان: یکی از عناصر دینی در شعر سید اشرف‌الدین و بهار، بحث از اتحاد بین کشورهای اسلامی و دوری از نفاق است. آن‌ها معتقدند که همه مسلمانان تابع یک دین و کتاب و قبله هستند و از این رو باید متحد باشند:

همیشه مسلک ما یاری خدا بوده
تمام تابع شرع رسول مختاریم
برای دین خدا جان ما فدا بوده
تمام پیرو فرمان آل اطهاریم
(حسینی قزوینی، ۱۳۶۳: ۴۴۲)

ای همگی پیرو دین قویم
سنّی و شیعی ز که و کیستند؟
ای پسران پسرانِ قدیم
در پی آزار هم از چیستند؟
(بهار، ۱۳۹۴، ج ۲: ۱۶۸)

بهار می‌گوید هرچند کشورهای اسلامی در هویت‌های خود دچار کثرت باشند؛ اما دینشان یکی است و دین از عوامل مهم اتحاد و یکی‌شدن این کشورها است:

در هویت دو، اما به دین، یک
مختلف تن، ولی متحد جان

جملگی پیرو دین احمد
جملگی تابوع نص قرآن
مسلمی گر بگرید به طنجه
مومنی نالد اندر بدخشان
(همان. ج ۱: ۱۸۳)

احترام به زنان و دختران و همچنین توجه به رعایت عفت و حجاب به عنوان امری دینی: احترام به زنان و دختران و رعایت عفت و حجاب به عنوان امری دینی از دیگر مصادیقی است که در شعر شاعران مورد نظر نمود داشته است:

گفت حکم الله این است ای کرام
باید از زنها نمایید احترام
این زنان خوشبوی چون ریحانه‌اند
این زنان شمع و چراغ خانه‌اند
مرد و زن از مومنین و مومنات
هر دو ظاهر گشته‌اند از نور ذات
(حسینی قزوینی، ۱۳۶۳: ۴۹۱)

حجاب شرم و عفت بیشتر کن
کنون کآزاده، ره پیمایی ای زن
به کار علم و عفت کوش امروز
که مام مردم فردائی ای زن
(بهار، ۱۳۹۴، ج ۱: ۵۷۱؛ ۵۷۰)

تحلیل پیوند عناصر ملی و دینی در شعر سید اشرف‌الدین حسینی و محمدتقی بهار: علاوه بر اینکه در مجموعه اشعار نسیم شمال و بهار مضامین ملی و دینی حضور داشته‌اند؛ به‌طور خاص نیز این مضامین در ابیات و قالب‌های شعری در پیوند و کنار هم آمده‌اند. این پیوند در قالب دو مصداق محسوس پیوند عنصر ملی و وطن با دین و پیوند مظاهر تاریخ و فرهنگ ملی (پادشاهان ایرانی و اسطوره‌های ملی) با عنصر دینی اسوه‌های دینی (پیامبران و امامان (ع)) در شعر شاعران مورد نظر نمود داشته است.

پیوند عنصر ملی و وطن با عنصر دین: مهم‌ترین پیوند دو عنصر مذکور در شعر نسیم شمال و بهار، پیوند عنصر ملی و وطن با خود عنصر دین است:

می‌شود دنیا به کام اهل ایران ای نسیم
می‌نماید شادمانی هر مسلمان ای نسیم
(حسینی قزوینی، ۱۳۶۳: ۱۶۹)

نسیم شمال از هجوم و حمله بیگانگان برای نابودی وطن و دین با دریغ و افسوس سخن می‌گوید و ناراحتی خود را به زبان شعر بیان می‌کند:

اجنبی شد حمله‌ور بر مذهب و آئین ما
ای دریغای می‌رود هم مملکت هم دین ما
ای جوانان وطن ایوم همت است
ای هواخواهان دین روز غیرت است...
(همان: ۴۱۲)

بهار نیز بر اهمیت و ضرورت توجه به فرهنگ، دین و وطن در کنار هم تأکید کرده است و آنان را مایه دوام و رونق کشور و ملت می‌داند:

در ره فرهنگ و آیین وطن غفلت موزر
ملک بی‌فرهنگ و بی‌آیین درختی بی‌بر است
رونق فرهنگ دیرین رهنمای هر دل است
اعتبار دین و آیین پاسبان هر در است
در ره تقوی و دانش رو که بهر کار مُلک
پیر دانشور به از برنای نادانشور است
(بهار، ۱۳۹۴، ج ۱: ۶۲۴)

نسیم شمال ملت را به غیرتمندی و دفاع و پاسداری از اسلام و وطن فرامی‌خواند:

ای ملت غیور کنون وقت غیرت است
 ای ملت نجیب کنون روز همت است
 مذهب ز دست رفت و وطن در مذلت است
 مسلم مطیع ظالم و کافر نمی‌شود
 (حسینی قزوینی، ۱۳۶۳: ۲۹۶)

بهار در جای دیگر، بین ایران باستان و ایران بعد از اسلام تعامل و پیوندی محسوس برقرار کرده است و به شکلی زیبا از قلمرو ایران در دوره باستان و اسلامی با افتخار یاد کرده است:
 این همان ملک است کاندرا باستان بینی در او
 داریوش از مصر تا پنجاب فرمان گستر است
 وز پس اسلام رو بنگر که بینی بی‌خلاف
 کز حلب تا کاشغر میدان سلطان سنجر است
 (بهار، ۱۳۹۴، ج ۱: ۶۲۲)

پیوند مظاهر تاریخ و فرهنگ ملی (پادشاهان ایرانی و اسطوره‌های ملی) با عنصر دینی اسوه‌های دینی (پیامبران و امامان (ع)): پادشاهان ایران قدیم مثل داریوش و همچنین پادشاهان اساطیری چون بهمن و جمشید و ... به‌عنوان عناصر ملی، گاه در شعر نسیم شمال با عناصر دینی کربلا، روضه و ... ترکیب شده‌اند:

خواب دیدم هستم اندر کربلا
 در میان روضه و صحن و سرا
 شد معطر مغزم از بوی بهشت
 رفتم از وجد و فرح سوی بهشت
 دیدم آنجا منبری از قرص نور
 نور حق کرده از آن منبر ظهور
 در حضور خسرو گلگون کفن
 صف زده شاهان یونان پیش هم
 صف کشیده روح هفتاد و دو تن
 دیدم آنجا منبری از قرص نور
 مجتمع گشته سلاطین زمین
 با ادب بنشسته شاهان عجم
 مملک‌گیران ایران پیش هم
 داریوش و بهمن و جمشید جم

(حسینی قزوینی، ۱۳۶۳: ۴۳۰)

بهار در شعر زیر از امام علی (ع) که یک اسوه دینی است در کنار رستم که اسطوره‌ای ملی است یاد کرده است:

از بهر پاس کشور جم، رستمی نخاست
 وز بهر حفظ بیضه دین حیدری نماند
 در جای دیگر جمشید، پادشاه اسطوره‌ای ایران، در کنار حضرت سلیمان (ع) آمده است:
 (بهار، ۱۳۹۴، ج ۱: ۴۶۸)

یا رب این کینه و این ظلم دمامم تا کی؟
 دل ایرانی آماجگه غم تا کی؟
 پشت احرار به پیش سفها خم تا کی؟
 ظلم ضحاکان در مملک جم تا کی؟
 سلطه دیوان در ملک سلیمان تا کی؟

(همان: ۴۵۲)

با توجه به تحلیل دو مفهوم ملیت و دیانت در شعر دوره مشروطه با تأکید بر شاعران مورد نظر و ارتباط این دو مفهوم با هم و نتایج به دست آمده، مشخص شد که نه تنها منافات و تضادی بین دو مفهوم ملیت و دیانت وجود نداشته است؛ بلکه این دو مفهوم در پیوند و تعامل با یکدیگر بوده‌اند.

شاعران مورد نظر با بهره‌گیری از عناصر ملی وطن و اجزای آن، مظاهر فرهنگ ملی و مظاهر تاریخ ملی و عناصر دینی دین، پیامبران و امامان (ع)، اعیاد و جشن‌های دینی، وطن اسلامی و اتحاد مسلمانان و احترام به زنان و دختران و همچنین توجه به رعایت عفت و حجاب به‌عنوان امری دینی در اشعار خود، تعامل و پیوندی محسوس بین این دو مفهوم ایجاد کرده‌اند. علاوه بر موارد مذکور که دیدی کلی نسبت به پیوند دو مفهوم گفته شده دارد؛ به‌طور خاص پیوند دو مفهوم ملیت و دیانت در قالب مصادیق پیوند عنصر ملی وطن با عنصر دین و پیوند عنصر ملی مظاهر تاریخ و فرهنگ ملی (پادشاهان ایرانی و اسطوره‌ای) با عنصر دینی پیامبران و امامان (ع) (اسوه‌های دینی) در اشعار شاعران نمایان و محسوس بوده است.

منابع

- آجودانی، ماءشاله (۱۴۰۰). *یا مرگ یا تجدد (دفتری در شعر و ادب مشروطه)*، چ ۶، تهران: اختران.
- آجودانی، ماءشاله (۱۳۸۶). *مشروطه ایرانی*، چ ۸، تهران: اختران.
- آشوری، داریوش (۱۳۸۸). *دانشنامه سیاسی ایران (فرهنگ اصطلاحات و مکتب‌های سیاسی)*، چ ۱۷، تهران: مروارید.
- آفاری، ژانت (۱۳۸۵). *انقلاب مشروطه ایران*، ترجمه رضا رضایی، چ ۳، تهران: بیستون.
- آیدنلو، سجاد (۱۳۹۴). *دفتر خسروان (برگزیده شاهنامه فردوسی)*، چ ۲، تهران: سخن.
- امیری فراهانی قائم مقامی، محمدصادق (۱۳۷۸). *دیوان کامل ادیب‌الممالک فراهانی*، تصحیح و توضیح مجتبی برزآبادی فراهانی، تهران: فردوس.
- بهار، ملک‌الشعرا (۱۳۹۴). *دیوان*، به اهتمام چه‌زاد بهار، ج ۲ جلد، چ ۲، تهران: توس.
- پازنده، یعقوب و همکاران (۱۴۰۱). «بررسی اندیشه‌های سیاسی شعرای عصر مشروطه با تأکید بر اشعار سیاسی ادیب‌الممالک فراهانی، وحید دستگردی و ملک‌الشعرا بهار»، *پژوهش‌نامه مکتب‌های ادبی*، دوره ۶، ش ۱۸، صص ۲۱۱-۱۸۰.
- حاجیانی، ابراهیم (۱۳۷۹). «تحلیل جامعه‌شناختی هویت ملی در ایران و طرح چند فرضیه»، *فصلنامه مطالعات ملی*، دوره ۲، شماره ۵، صص ۲۲۸-۱۹۳.
- حافظ، شمس‌الدین محمد (۱۳۹۹). *دیوان*، تصحیح محمد قزوینی و قاسم غنی، چ ۹، تهران: اساطیر.
- حسینی قزوینی (گیلانی)، سید اشرف‌الدین (۱۳۶۳). *جاودانه سید اشرف‌الدین حسینی قزوینی (گیلانی) - نسیم شمال*، به‌کوشش حسین نمینی، تهران: فرزانه.
- حصارکی، محمدرضا و مهین خطیب‌نیا (۱۴۰۰). «بازتاب و بن‌مایه‌های جامعه‌شناختی و اجتماعی شعر در ادب معاصر در مقایسه با سایر ادوار شعر فارسی»، *پژوهش‌های جامعه‌شناختی*، دوره ۱۵، ش ۳، صص ۱۶۳-۱۳۷.
- رشید، نگار و تجلیل، جلیل و همکاران (۱۳۹۷). «واکاوی مولفه‌های هویت ملی در شعر دوره مشروطه»، *فصلنامه مطالعات توسعه اجتماعی - فرهنگی*، دوره ۷، شماره ۳، صص ۱۹۴-۱۷۱.
- زرقانی، مهدی (۱۳۹۹). *چشم‌انداز شعر معاصر ایران: جریان‌شناسی شعر ایران در قرن بیستم*، چ ۷، تهران: ثالث.
- سعدی، مصلح بن عبدالله (۱۳۸۱). *بوستان*، تصحیح و توضیح غلامحسین یوسفی، چ ۷، تهران: خوارزمی.
- شفیع کدکنی، محمدرضا (۱۳۹۲). *با چراغ و آینه: جستجوی ریشه‌های تحول شعر معاصر ایران*، چ ۴، تهران: سخن.
- صدری‌نیا، باقر (۱۴۰۱). *ادبیات مشروطه، از ناسیونالیسم تا ممالک محروسه*، تهران: خاموش.
- غلامرضایی، محمد و ملاکی، زهره (۱۳۸۹). «نگرش دینی شاعران دوره مشروطه»، *فصلنامه پژوهش زبان و ادبیات فارسی*، شماره ۱۶، صص ۲۰۳-۱۷۷.
- قزوینی، ابوالقاسم عارف (۱۳۸۱). *دیوان عارف قزوینی*، تدوین محمدعلی سپانلو و مهدی اخوت، تهران: نگاه.

- گلدمن، لوسین و همکاران (۱۳۷۷). *درآمدی بر جامعه‌شناسی ادبیات: مجموعه مقالات*، مترجم و گردآورنده: محمدجعفر پوینده، تهران: نقش جهان.
- مجد، امید و گل افشانی، مرضیه (۱۳۸۸)، «بررسی میزان و نقش دین‌مداری بهار در میهن‌پرستی او»، *بهار ادب*، دوره ۲، ش ۳، صص ۱۱۵-۱۲۶.
- محمدخان، مهرنور (۱۳۸۳). *فکر آزادی در ادبیات مشروطیت*، اسلام‌آباد: مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان.
- موسی‌آبادی، رضا و فخرالاسلام، بتول (۱۳۹۸). «بازتاب هویت ملی و مؤلفه‌های آن در شعر شاعران برجسته عصر مشروطه»، *فصلنامه مطالعات ملی*، دوره ۲۰، شماره ۱، صص ۵۸-۳۹.
- مولوی، جلال‌الدین محمد (۱۳۸۸). *غزلیات شمس تبریزی*، مقدمه، گزینش و تفسیر: محمدرضا شفیعی کدکنی. ج ۱، چ ۴، تهران: سخن.





پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی